

اعلان جنگ - از بین رفتن امیدهای فرانسه

اینکه تعمقی در اخبار روزنامه‌ها بنماید بتصور اینکه در موقع بروز جنگ دول ایتالیا و اتریش و دول جنوبی آلمان با او همراه خواهند بود در نتیجه اظهارات اطمینان آمیز وزیر جنگ فرانسه مارشال لوبوف^(۱) خطای دیگری مرتکب شد و در عوض اینکه خود او مورد حمله قرار گیرد طبق دلخواه بیسمارک در ۱۵ ماه اوت ۱۸۷۰ اعلان جنگ پیروس را بمجلس پیشنهاد نمود تا بتواند با سرعت عمل خود دولت پیروس را غافلگیر کند مجلس فرانسه هم بدون آنکه در اصل موضوع وارد شود و بدون شنیدن التماس‌ها و تضرع تیر که دولت فرانسه را از بروز جنگ بر حذر مینمود حتی حاضر نشد از خود بندنی که وارد پاریس شده بود اصل قضیه را تحقیق کند و به اتکاء اطمینانهای بدون تأیید دولت دوگرامون وزیر خارجه مبنی بر همراهی ایتالیا و اتریش و اظهارات مارشال لوبوف دائر به حاضر بودن ارتش فرانسه اعلان جنگ با پیروس را تصویب کرد جریان امر طبق پیش بینی بیسمارک صورت عمل بخود گرفته و چون دولت پیروس مورد حمله واقع میشد تمام دول آلمان به همراهی او شتافته و در ۱۹ ژوئیه رایشتاک و سائل جنگ را در اختیار بیسمارک گذاشت.

در موقع حمله پیروس دولت فرانسه انتظار داشت ارتشی بتعداد ۴۰۰۰۰۰ نفر تهیه کند ولی یازده روز بعد از اعلان جنگ ارتش فرانسه از ۲۰۰۰۰۰ نفر که آنها هم ساز و برگ مرتبی نداشتند تجاوز ننمود در صورتیکه پیروسیها کاملاً مجهز و منتظر بودند از لحاظ سیاسی نیز سیاست ناپلئون سوم باعث شده بود که تلموقع شروع عملیات جنگی دولت فرانسه متحدی نداشته باشند تدبیر بیسمارک نیز سبب شد که در زمان جنگ هیچکدام از دول اروپا بدولت فرانسه کمکی نکنند. در بدو شروع جنگ دولت فرانسه امیدوار بود اتریش و ایتالیا با او کمک کنند کنت دو بوست هم که از بیسمارک خاطرات خوشی نداشت مایل باین قضیه بود ولی در تحت تأثیر وزرای مجارستانی مجبور گردید در ۲۰ ژوئیه بیطرفی خود را اعلام دارد. ویکتور امانوئل نیز در ۲۴ ژوئیه بیطرفی ایتالیا را اعلام

(۱) Edmond . Lebœuf (۱۸۸۸-۱۸۰۹) مارشال فرانسی - وزیر جنگ فرانسه

عدم موافقت با واگذاری رم - انتشار طرح تصرف بلژیک

کرد ولی بمعیت اتریش اقداماتی بعمل آورد تا با تخلیه رم از طرف فرانسویها و اشغال آن توسط ایتالیاییها پیمان اتحادی بین اتریش و فرانسه و ایتالیا بسته شود و باین امید دولتین اتریش و ایتالیا مشغول صدور دستوراتی شدند تا در ظرف شش هفته ارتش خود را بسیج نمایند .

ناپلئون سوم که در این موقع احتیاج زیادی بکمک داشت بین امیال ملکه و پرنس ناپلئون قرار گرفت . وزیر خارجه فرانسه دو گرامون هم که از موضوع اطلاع پیدا نمود از تقاضای اشغال رم توسط ایتالیاییها بر آشفت و بنمایند فرانسه دروین دستور داد حاضر بمقد چنین پیمان نشود . سفیر فرانسه دروین پرنس دولاتور دورنی^(۱) نیز که کاتولیک متعصبی بود و انعقاد پیمان را بدفع الوقت میگذرانید امر گرامون را اطاعت کرد . يك مأمور ایتالیائی برای تذکر دادن عواقب وخیم سیاست ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را در شهر متز^(۲) ملاقات نمود و با وجود اصرار زیاد او باز ناپلئون حاضر بواگذاری رم نگردید .

در ۲۵ ژوئیه برای حفظ عدم مداخله انگلستان بیسمارک طرح پیشنهادی را که باندتی بخط خود درباره تصرف بلژیک تهیه کرده بود در روزنامه تایمز^(۳) لندن منتشر کرد . این خبر باعث وحشت انگلیسها گردید چون ترسیدند اگر فرانسه فاتح شود استقلال بلژیک بخطرافتد . دولت انگلستان هم که در این موقع بصدارت گلاستون تمام هم خود را صرف امور داخلی مینمود سعی کرد دامنه اختلافات از بین فرانسه و پروس تجاوز نکند باینجهت از طرفین تقاضا نمود بیطرفی بلژیک را حفظ کند .

امید دیگر ناپلئون سوم دولت دانمارک بود که برای بدست آوردن دوشه های از دست رفته ممکن بود اقدامی برضد پروس بنماید ولی فشار دولت انگلیس و روسیه مانع از آن شد که این دولت کمکی بفرانسه بکند . دولت روسیه هم که بادولت پروس

(۱) Henri-Godefroi-Bernard Alphonse, prince de la Tour d'

Auvergne Lauragais (۱۸۷۱-۱۷۲۳) سیاستمدار فرانسوی - سفیر کبیر فرانسه در پروس - ایتالیا - لندن - اتریش در زمان ناپلئون سوم - وزیر خارجه فرانسه در اواخر

امپراطوری ناپلئون سوم . (۲) Metz (۳) Times

شکست فرانسه - اتحادیه بیطرفی

هم آهنگ بود اقدامی بنفع فرانسه ننمود بلکه با تهدید اثریش بیشتر باعث پیشرفت سیاست پروس میگردد.

بعد از شکست های اولیه که در ۶ اوت نصیب فرانسویها گشت آلازاس ولورن مورد خطر واقع شده و ارتش پروس بطرف فرانسه راه باز کرد. در اینموقع اگر فرانسویها حاضر بواگذاری آلازاس ولورن میشدند با وجود اصرار سرداران پروس بیسمارک بجنک خانمه میداد ولسی ملت فرانسه بیاد افتخارات سابق خود افتاده در ۹ اوت کابینه امیل اولیویه را سرنگون نمود و حفظ و تمامیت ارضی خود را خواستار شد. کنت پالیکائو^(۱) نخست وزیر فرانسه و پرنس دولاتور دوورنی که سفیر فرانسه در اثریش بود وزیر خارجه شده سعی نمودند نظر اروپا را بخود جلب کنند. اقدامات بیسمارک بطوریکه نکرشد مانع جلب نظر دول اروپا نسبت بفرانسه شد و ویکتور امانوئل که شکست فرانسه را مشاهده نمود از پیشنهادهای خود بفرانسه منصرف گردیده به دولت انگلستان پیشنهاد نمود یادداشتی صادر شود تا دول اروپا بیطرفی خود را اعلام کنند. کابینه گلاستون نیز با کمال میل پیشنهاد ایتالیا را پذیرفته و قرار شد دول اروپا تعهد کنند تا خاتمه بحران دخالتی در آن نکنند دول اروپا نیز یکی بعد از دیگری این بیطرفی را اعلام کردند دولت ایتالیا هم با خیال راحت بعد از خروج ارتش فرانسه در ۱۲ اوت از خاک رم خود را آماده تصرف این شهر نمود.

در اثر خطبهای نظامی که ارتش فرانسه مرتکب گردید در ۲ سپتامبر ۱۸۷۰ در سدان^(۲) امپراطور فرانسه با ۸۰۰۰۰ سرباز تسلیم آلمانها گردید و چون بیسمارک پیشنهاد خاتمه جنگ را بناپلئون سوم کرد امپراطور فرانسه اظهار داشت که چون آزاد نیست نمیتواند تعهدی از طرف فرانسه بکند. در ۴ سپتامبر امپراطوری فرانسه ملفی

Charles Guillaume - Marie-Apollinaire-Antoine Cousin (۱)
Montauban, comte de Palikao (۱۸۷۸ - ۱۷۹۶) سردار فرانسوی که در جنگهای باچین شهر یکن را فتح کرد. در ۱۸۷۰ - برای مدت ۲۴ روز نخست وزیر فرانسه شد.
Sedan - (۲)

حکومت دفاع ملی

شد و ملکه فرانسه که در غیاب ناپلئون سوم عهده‌دار نیابت سلطنت بود مجبور بفرار بانگلستان گردید. در شهرهای پاریس و لیون رژیم جمهوری اعلام و حکومت دفاع ملی در همان روز تشکیل گردید.

حکومت دفاع ملی بریاست ژنرال تروشو^(۱) و وزارت خارجه ژول فاور^(۲) امور حکومت را در دست گرفت ولی اعضای آن که همواره در جزء مخالفین بودند ندرت تجربه زیادی در سیاست نداشته و آشنا بر موز کار نبودند مبرزترین افراد آن گامبتا^(۳) بود که هنوز مراحل جوانی را میپیمود حکومت دفاع ملی در ۶ سپتامبر اعلامیه منتشر نمود که بموجب آن اظهار میداشت فرانسه يك و جب از زمینهای خود بایک سنگ از قلاع خود را واگذار نخواهد کرد و باین ترتیب از بدو شروع بکار باب مذاکرات را برای استقرار صلح مسدود کرد و بیسمارک بر خلاف نقشه خود مجبور باد ادامه جنگ گردید. حکومت دفاع ملی در عوض اینکه بولایات رفته و نگذارد بواسطه استقرار

(۱) Louis - Jules Trochu (۱۸۱۵-۱۸۹۶) سردار فرانسوی - در الجزیره خدمت کرد - در جنگ کریمه مجروح شد - در نتیجه انتشار کتابی مبنی بر تنقید از ارتش فرانسه در سال ۱۸۶۷ م - مورد بغض ناپلئون سوم واقع شد - در ۱۸۷۰ م حاکم نظام - ی پاریس و رئیس حکومت دفاع ملی گردید - در ۱۸۷۱ نماینده مجلس شد و از سال ۱۸۷۳ بتقاضای خود متقاعد گردید.

(۲) Gabriel.Claude-Jules Favre (۱۸۰۹-۱۸۸۰) وکیل دادگستری و سیاستمدار فرانسوی - از جمهوری خواهان فرانسه - در ۱۸۴۸ نماینده گسی انتخاب شد و - می بسیاری بر ضد کودتای ناپلئون سوم کرد - در ۱۸۵۸ مدافع اورسینی بود - در ۱۸۶۳ نماینده مجلس فرانسه گردید - مخالف سیاست امپراطور فرانسه بود در ۱۸۷۰ نایب رئیس حکومت دفاع ملی و وزیر خارجه شد - از ۱۸۷۶ نماینده گسی در مجلس انتخاب شد عضو فرهنگستان فرانسه.

(۳) Léon Gambetta (۱۸۲۸-۱۸۸۲) وکیل دادگستری و سیاستمدار فرانسوی - در ۱۸۶۹ وکیل مجلس و جزء مخالفین سخت امپراطوری فرانسه گردید - بعد از شکست فرانسه عضو حکومت دفاع ملی گردید - با بالون از پاریس که محاصره بود خارج شد - در شهر تور و وزارت داخله و وزارت جنگ حکومت دفاع ملی را در دست گرفت - با اختیارات دیکتاتوری دفاع بر ضد آلمان را تشجیع و مرکز حکومت فرانسه را به شهر بردو منتقل نمود بعد از استقرار جمهوری در فرانسه وکیل مجلس شد و ریاست جمهوری خواهان را در دست گرفت - در ۱۸۷۹ رئیس مجلس فرانسه شد - در ۱۸۸۱ نخست وزیر فرانسه گردید.

مسافرت سیاسی تیر اقدامات ژول فارو

حکومت در پاریس روابطش با نواحی دیگر فرانسه قطع شود در پاریس شروع بتجهیز نموده ارتشی تشکیل داد و با انتخاب ژنرال تروشو بحکومت نظامی پاریس این شهر را مستحکم کرد علاوه بر آن چون اعضای آن هیچگونه امیدی بفتح فرانسه نداشتند تمام سعی آنها این بود که این کشور را از انقلاب مصون داشته و بتوانند شرایط صلح را سبک کنند تا بلکه با پرداخت غرامات از ادعای آلمانها جلو گیری نمایند.

حکومت دفاع ملی در ۶ سپتامبر از لرد لایونس^(۱) سفیر انگلستان خواهش کرد ملکه و یکتوریا واسطه صلح گردد ولی دولت انگلستان خواهش فرانسه را رد نمود دولت اتریش نیز بدولت فرانسه نصیحت کرد مقاومت پاریس را زیادتیر نمایند. دولت ایتالیا هم که جز اشغال رم خیال دیگری در سر نداشت تقاضای تصرف این شهر را نموده و در ۲۰ سپتامبر آنرا اشغال کرد. ژول فارو برای جلب نظر دول اروپا از تیر درخواست کرد مسافرتی بدر بارهای اروپا کند. تیر با وجود سن زیاد خواهش حکومت دفاع ملی را پذیرفت و در ظرف ۴۰ روز در بارهای لندن. وین - سن پترزبورگ و فلورانس را دیدن کرد ولی چون خودش اعتمادی بر قسای حکومت دفاع ملی نداشت نتیجه مثبتی از سفر سیاسی خود بدست نیاورد فقط گاریبالدی بایک عده او طلب بکمک ارتش فرانسه آمد. بطور خلاصه کسی باظهارات فرانسه توجه ننمود و ژول فارو مجبور گردید در ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ملاقاتی از بیسمارک بعمل آورد. بیسمارک برای تنظیم شرایط صلح درخواست ترك مخصوصه نمود تا بموجب آن پاریس مجهز نگردد استراسبورگ خلع سلاح شده و واگذاری آلزاس و قسمتی از لورن یکی از شرایط صلح باشد و چون ژول فارو حاضر بواگذاری اراضی نگردید مذاکرات به نتیجه نرسید بیسمارک که مایل بود هر چه زودتر بجنگ خاتمه دهد در این موقع شخص مشکوکی راموسوم به رینه^(۲)

(۱) Richard - Rickerton-Pomell, lord Lyons (۱۸۱۷-۱۸۷۲)

سیاست مدار انگلیسی - از سال ۱۸۳۹ وارد سیاست شد - سفیر انگلستان در آمریکا در ۱۸۵۸ و بعداً در قسطنطنیه - از سال ۱۸۶۷ سفیر کبیر انگلستان در فرانسه.

(۲) Victor - Edmond-Vitol' Régnier (۱۸۲۲-۱۸۸۶) ماجراجوی

فرانسوی اقدامات ماجراجویانه و مخفیانه در جنگ ۱۸۷۰ نمود - از طرف محکمه نظامی پاریس بجرم جاسوسی غیاباً محکوم باعدام گردید - پایان عمر خود را در انگلستان بسر برد.

تسلیم بازن - اعلامیه روسیه و تقض بیطرفی دریای سیاه

که خود را نماینده ملکه فرانسه قلمداد مینمود نزد خود پذیرفت و مشغول مذاکره صالح با او بنام ملکه فرانسه گردید بیسمارک از این شخص استفاده نموده و توسط او باژنرال بازن^(۱) که درمتز فرماندهی ارتش فرانسه را در دست داشت وارد مذاکره شد. بازن که در سرخیال دیکتاتوری فرانسه رامیپروراند در دام بیسمارک افتاده و در عوض اینکه ارتش خود را از خطر محاصره برهاند آنقدر مذاکرات را ادامه داد تا درمتز محاصره گردیده و در ۲۷ اکتبر مجبور به تسلیم گردید. در نتیجه اقدامات کامبتا هم که در ۱۸ اکتبر بوسیله بان پاریس راترك گفته و عازم ولایات شده بود تا حس مقاومت و استقامت آنها را تهیج نماید نیز بجائی نرسید.

دولت روسیه که از دیر زمانی مترصد بود تا بتواند اثرات پیمان پاریس ۱۸۵۶ را از بین ببرد در این موقع که جنگ پروس و فرانسه تمام دول اروپا را متوجه ساخته بود از موقع استفاده کرد در ۲۹ اکتبر ۱۸۷۰ گورچاکوف^(۲) وزیر خارجه روسیه اعلام نمود که تزار روسیه دیگر خود را مقید به تعهدات پیمان پاریس که حقوق او را در دریای سیاه محدود میکند نمیداند و اضافه نمود که مقررات پیمانها در هر زمان يك نوع تعهد را ایجاب نمیکنند، بوسیله این اعلامیه دولت روسیه دو ماده از پیمان پاریس را که مربوط به بیطرفی دریای سیاه بود یکطرفه ملغی مینمود. اولین دولتی که بر علیه اقدام روسیه

(۱) Achille' Bazaine (۱۸۱۱-۱۸۸۸) مارشال فرانسوی - خدمات زیادی

در الجزیره و جنگ کریمه و جنگ با اتریش انجام داد - در ۱۸۶۲ بکزیك رفت - در ۱۸۶۳ ریاست ارتش اعزامی فرانسه را عهده دار و در ۱۸۶۴ مارشال شد - سردار خوب ولی جاه طلب و بدون عقیده ثابت بود - چون باشورشیان مکزیك تپانی میکرد احضار و مورد عدم توجه ناپلئون سوم واقع گشت - در جنگ فرانسه و آلمان فرمانده نیروی لورن گردید - در مدت جنگ سعی کرد برای حفظ شهرت خود جنگ اساسی با قوای آلمان نکند و ارتش خود را دست نخورده نگاهدارد تا در موقع لازم بتواند بنفع خود استفاده کند - درمتز با بیسمارک وارد مذاکره شد و در نتیجه طولانی نمودن مذاکرات از طرف بیسمارک قوای پروس او را محاصره نموده و مجبور به تسلیم شد - بعد از خاتمه جنگ مهاجمه و محکوم با اعدام شد ولی مجازات او به حبس دائم تخفیف یافت - در ۱۸۷۴ از زندان فرار کرده و با اسپانیا پناهنده شد.

(۲) Alexandre - Mikhaïlovitch' prince de Gortchakof (۱۸۸۲)

(۱۷۹۸) سیاستمدار روسی بعد از خدمات سیاسی زیادی از ۱۸۵۶ تا ۱۸۸۱ عهده دار وزارت خار روسیه بود

کنفرانس لندن و عدم حضور نماینده فرانسه

اعتراض کرد دولت انگلستان بود که بیش از دیگران منافع خود را در خطر میدید و در ۱۰ نوامبر در ضمن یادداشتی دلائل گورچاکوف را رد کرد. دولت اتریش نیز در ۱۶ نوامبر بر علیه اقدام روسیه اعتراض نمود. دولت ایتالیا هم که نمیخواست در این موقع که رم را اشغال کرده مدعی پیدانماید جرئت نکرد اقدام روسیه را تصویب کند. در ۱۱ نوامبر دولت انگلستان نماینده نزد بیسمارک فرستاد و نظر بیسمارک را در این قضیه خواستار شد. اعلامیه روسیه مشکل سیاسی برای بیسمارک تولید کرد زیرا دولت روسیه که نخواسته بود مانند ناپلئون سوم در موقع جنگ اتریش و پروس فریب اظهارات بیسمارک را بخورد تصمیم گرفت قبل از شکست فرانسه بهای مساعدت خود را دریافت دارد. اگر بیسمارک به روسیه متمایل میشد ممکن بود انگلستان بفرانسه کمک نماید و اگر با انگلستان کمک میکرد و دولت روسیه بر ضد او اقدام کرده و باز منافع پروس بخطر میافتاد برای ایجاد راه حلی بیسمارک پیشنهاد تشکیل کنفرانسی را در لندن نمود بشرط آنکه فقط موضوع اعلامیه روسیه در آن مطرح شود باین طریق بیسمارک انگلستان را از خود راضی میکرد و اقدام روسیه را مورد مباحثه دول اروپا قرار میداد از طرف دیگر روسیه را راضی نگاه میداشت باین ترتیب که اظهار میداشت با مساعدت او در کنفرانس اقدام غیر قانونی روسیه را بتصویب دول اروپا خواهد رسانید ضمناً برای راضی ساختن انگلستان که امیدوار بکمک فرانسه در کنفرانس بود قرار شد دولت فرانسه هم دعوت گردد. حکومت دفاع ملی فرانسه که بنا بر عقیده نیر مصمم بود هر چه زودتر باب مذاکرات مستقیم را با بیسمارک مفتوح نماید امیدی بکنفرانس لندن نداشت و از این فرصت مناسب استفاده نکرد. بیسمارک هم که میترسید با وجود تمام احتیاطهای لازم باز دولت فرانسه از این کنفرانس استفاده بنماید انواع و اقسام مشکلات را برای عزیمت نماینده فرانسه به کنفرانس فراهم آورد.

حکومت دفاع ملی پاریس برای حضور نماینده فرانسه در کنفرانس لندن تقاضای ترک مخاصنه و بدست آوردن آنزوقه برای اهالی پاریس نمود ژول فاوور وزیر خارجه

ترك مخصوصه

حکومت دفاع ملی هم که میترسید اگر پاریس را در حین بمباران ترك گوید به جبونی معروف شود روی موافقتی از خود نشان نداد بطوریکه در کنفرانس لندن که در دهم ژانویه ۱۸۷۱ تشکیل شد جای فرانسه خالی ماند و با وجود اینکه دولت انگلستان چندین مرتبه ختم کنفرانس را بتعمیق انداخت فرانسه از مشارکت در کنفرانس خود داری کرد. در ۷ فوریه مقررات پیمان پاریس ۱۸۵۶ را جمع به کشتی رانی در روی رود دانوب و بغازها تأیید شد و بیطرفی دریای سیاه از بین رفت.

در ۲۳ ژانویه ۱۸۷۱ از ترس قحطی و شورش در پاریس ژول فاوور بوساری برای مذاکره در اطراف شرایط صلح نزد بیسمارک رفت و در ۲۸ ژانویه ترك مخصوصه بین حکومت دفاع ملی پاریس و پروس بامضاء رسید که بموجب آن مقرره شد مجلسی انتخاب گردیده و مذاکرات صلح بانمایندگان فرانسه آغاز شود ضمناً شرایط سختی در آن گنجانیده شد که حکومت فرانسه را تقریباً تسلیم پروس نمود و تمام ارتش هائی که کامبتا با زحمات زیاد در ولایات تهیه دیده بود باشهر پاریس با اختیار آلمانها گذاشته میشد. در نتیجه مصائب جنگ نمایندگان که انتخاب شدند اغلب طرفدار صلح و بر ضد جمهوری بوده و تیر که طرفدار کامل برقراری صلح فوری با پروس بود از ۲۶ دیپارتمان بنمایندگی انتخاب شد این مجلس در ۱۲ فوریه ۱۸۷۱ در بر دو تشکیل گردیده و تیر که بریاست قوه مجریه انتخاب شده بود دیگر منتظر نشده در ۲۱ فوریه بوساری برای دریافت شرایط صلح حرکت کرد. شرایط صلح که قبلاً از طرف بیسمارک تهیه شده بود مورد قبول تیر واقع گشت و در اول مارس ۱۸۷۱ بتصویب مجلس بر دورسید و قرار شد کنفرانسی در بروکسل تشکیل شده پیمان قطعی صلح بامضا برسد. جمهوری خواهان فرانسه که با شرایط صلح تحمیلی از طرف بیسمارک مخالف بودند بجمعیت سوسیالیست ها در ۱۸ مارس شورشی در پاریس بر پا کردند که بنام کمون (۱) معروف شده است. حکومت فرانسه در مقابل شورشیان مجبور گردید پاریس را ترك گفته در ورسای مستقر شود. چون قسمتی از استحکامات پاریس در دست آلهانها بود

Commune (۱)

کمون - پیمان صلح فرانکفورت

و تعداد ارتش فرانسه هم که بموجب ترك مخصوصه در پاریس از ۴۰۰۰۰ نفر تجاوز نمی کرد کافی برای خوابانیدن شورش نبود تیر مجبور گردید از بیسمارک درخواست استخلاص عده از سر بازان اسیر شده فرانسی را بنماید تا این شورش را دفع کند. بیسمارک از موقعیت استفاده کرد و بعنوان اینکه تیر در اظهارات خود صادق نیست و مخفیانه شورش پاریس را تقویت میکند تا فرانسه در مقابل تقاضاهای آلمان پایداری کند در خواسته های زیاده تری از فرانسه نمود نمایندگان فرانسه نیز که بفرانکفورت (۱) برای انعقاد پیمان صلح اعزام شده بودند در مقابل تهدیدات بیسمارک که صورت التیما تو م را بخود گرفته بود مجبور بتسلیم شدن و پیمان صلح قطعی بین فرانسه و آلمان در ۱۰ مه ۱۸۷۱ در فرانکفورت بامضاء رسید.

بموجب این پیمان نواحی الزاس و لورن و یک قسمت از نواحی شمالی تیونویل (۲) با آلمان واگذار گردید و دوشه لوکزامبورک تحت نفوذ پروس درآمد و دولت فرانسه متعهد گردید مبلغ ۵ میلیارد فرانک به دولت پروس بپردازد و بتدریج پرداختهای فرانسه ارتش پروس خاک فرانسه را تخلیه کند.

بیسمارک که از موقع شروع جنگ در استحکام روابط دول آلمان با پروس خیلی کوشیده بود شاهزادگان آلمانی را تشویق نمود که تاج امپراطوری آلمان را بپادشاه پروس پیشنهاد نمایند دول مختلف آلمان نیز تحت نفوذ بیسمارک واقع شده در اثر تهدید یا جهت خوش آمد پروس یا بدست آوردن سهمی از اراضی متصرفی از فرانسه طبق میل بیسمارک رفتار کردند اما بیسمارک بعد از جنگ برای از بین بردن اختلافاتی که ممکن بود تقسیم فتوحات پروس و آلمان ایجاد نماید نواحی تازه بدست آمده را ملك متصرفی امپراطوری ریشلاند (۳) قلمداد کرد. پادشاه باویرا لوئی دوم در ۲۴ سپتامبر ۱۸۷۱ به ویلهلم اول و شاهزادگان آلمان تشکیل امپراطوری آلمان را بریاست ویلهلم

Frankfurt (۱)

Thionville (۲)

Reichland (۳)

تشکیل امپراطوری آلمان

اول پادشاه پروس پیشنهاد کرد . در مجلسی که از نمایندگان دول آلمان در ورسلی تشکیل شد بعد از تصویب اساس اتحادیه آلمان در ۱۸ دسامبر پادشاه پروس تاج امپراطوری آلمان را قبول نمود و یکماه بعد که درست ۱۷۰ سال از زمان بدست آوردن عنوان پادشاهی توسط فردریک اول میگذشت در ۱۸ ژانویه ۱۸۷۲ ویلهلم اول امپراطور آلمان در میان ارتش فاتح خود در ورسای تاجگذاری کرد .

فصل نهم

مقدمات اتحاد آلمان و اتریش

سیاست بیسمارک بعد از جنگ با فرانسه - ضعیف نگاهداشتن فرانسه - طرح اتحاد آلمان و اتریش - ملاقاتهای سالزبورگ و گاستین - عزل بوست - کولتور کامف - سلطنت آمده اول در اسپانیا - ملاقات سه امپراطور در برلن - نتایج ملاقات سه امپراطور - استعفای تیر - تشویق و یکتور آمانوئل - نزدیکی ایتالیا با اتریش و آلمان - رد سلطنت فرانسه از طرف کنت دو شامبور - اعتراض بیسمارک بدولت فرانسه - توافق روسیه و انگلستان - سلطنت آلفونس دوازدهم - استقرار جمهوری در فرانسه - تهدید بیسمارک - اعتراض انگلستان و روسیه - توجه بیسمارک بخطر اتحاد روسیه و فرانسه .

بعد از جنگ فرانسه و آلمان در نتیجه فتوحات پروس و تدبیر صدراعظم آن رشته دیپلوماسی اروپا در کف بیسمارک قرار گرفت. بیسمارک از این تاریخ سعی میکند امتیازاتی را که بدست آورده است تثبیت نموده و بر روی استقرار عظمت پروس سیاست خود را تعقیب کند . در نتیجه شکست فرانسه و انتزاع دوناویه از این کشور بیسمارک جدیت میکند این ملت را که تشنه انتقام و بدست آوردن آلاس و لورن است همواره ضعیف و تنهانگاهدارد و مراقبت کند تا اینکه بر ضد دولت پروس اتحادیه تشکیل نشود در داخل آلمان نیز برای از بین بردن مخالفت دول مختلف که تحت تبلیغات کاتولیکی از سیاست بیسمارک خرده می گرفتند صدراعظم آلمان سعی میکند با اقدامات جدی بر علیه کاتولیکها و پاپ وارد مبارزه گردد .

طرح اتحاد آلمان و اتریش

فکر جلوگیری از پیدا شدن اتحادیه بر علیه آلمان بیسمارک را مصمم به پیدا کردن متحدینی برای آلمان میکند. دولت انگلستان که با صدارت گلاستون تمام هم خود را صرف تصفیه امور داخلی مینمود و از دولت فرانسه هم راجع به تهدید بلژیک دیگری نمی نداشت حاضر به تشریک مساعی با دولت پروس نمیگردید و حتی برای نگاهداری موازنه قوا در اروپا و سوق ندادن نظر فرانسویها بطرف روسیه بیشتر حاضر بکمک و مساعدت فرانسه بود تا پروس. دولت روسیه که اقتدار آلمان را چندان بصلاح خود نمیدید سیاستش اقتضا میکرد فرانسه نسبتاً مقتدزی در مغرب اروپا وجود داشته باشد تا بتواند در موقع لزوم از فشار پروس بکاهد. دولت ایتالیا که بعد از ۱۲ سال رنج و زحمت تازه توانسته بود شهر رم را پایتخت خود قرار دهد با فقر مالی مواجه شده و قادر نبود در جنگ وجدالی شرکت کند بنا بر این بالاتنها دولتی که امکان داشت نظر بیسمارک را بطرف خود جلب کند دولت اتریش و مجارستان بود.

ایجاد اتحادی بین آلمان و اتریش بصلاح هر دو کشور بود زیرا دولت اتریش همواره میتوانست با تقویت کاتولیکها و دول جنوبی آلمان که از تقویت سیاست بیسمارک تا اندازه پیشیمان بودند باعث مزاحمت و آزار دولت پروس را فراهم آورد. دولت پروس هم میتوانست با تقویت فکر اتحاد تمام آلمانها و نژاد ژرمن اساس امپراطوری اتریش را از هم متلاشی سازد. در صورتیکه اتحاد بین این دو کشور باعث میشد سیاست پروس در اروپا تقویت شده و در مبارزه بر علیه کاتولیکها بیسمارک توفیق یابد. دولت اتریش نیز بدینوسیله میتوانست در مقابل تبلیغات اتحاد اسلاو پایداری نموده و امپراطوری خود را حفظ کند.

برای اتحاد آلمان و اتریش دو اشکال عمده وجود داشت یکی اینکه وزیر خارجه اتریش و مجارستان کنت دو بوست هنوز شکست سادوا را فراموش نکرده و نسبت به بیسمارک کینه در دل داشته دیگر اینکه نفوذ اسلاوها با صدارت هوهنوارت^(۱) در اتریش

(۱) Charles-Sigismond, comte de Hohenwart بعد از مشاغل دولتی مختلفی

در ۱۸۷۱ نخست وزیر و وزیر داخله اتریش گردید.

ملاقاتهای سالزبورگ و گاستین

روز بروز زیادتر شده و مانع مهمی برای این نظر ایجاد میکرد. بیسمارک با احاطه که به عالم سیاست داشت سعی نمود با کمک نخست وزیر مجارستان آندراسی^(۱) که با اسلاوها مخالف و مایل بود مقام بوست را نیز اشغال کند این اشکالات را بر طرف سازد باین طریق که ویلهلم اول را با نظر خود موافق ساخته و او را مجبور میکند با فرانسوا ژوزف ملاقاتهایی بعمل آورده و امپراتور اتریش را نیز با خود همراه کند و در ماه اوت ۱۸۷۱ امپراتور آلمان در ایشل^(۲) بملاقات فرانسوا ژوزف رفت. چندی بعد امپراتوری اتریش به سالزبورگ^(۳) بیازدید و ویلهلم اول آمد. در همین موقع که امپراتور آلمان نظر موافق فرانسوا ژوزف را نسبت بسیاست بیسمارک جلب میکرد. صدراعظم آلمان نیز در گاستین برای تأمین نظریه خود با بوست زمینه را برای سقوط کابینه هوهنوارت که با اسلاوها همراه بود حاضر میکرد و در عین حال با آندراسی مقدمات از کار انداختن خود بوست را تهیه میدهد.

در مراجعت از گاستین هیچکس تصور نمیکرد بیسمارک از این مسافرت نتیجه مثبتی بدست آورده باشد چه بوست با حس بدبینی و تردیدی که نسبت باظهارات بیسمارک داشت حاضر با انعقاد پیمان کتبی نشده و منتشر گردید شفاها موافقتهایی بین آنها درباره اصول کلی زیر بعمل آمده است: تشریک مساعی اتریش و آلمان برای نگاهداری صالح - خودداری از مساعدت بیاب بر ضد دولت ایتالیا - جلوگیری از افکار انقلابی اما بعد از چند هفته دول اروپا کم کم به نتایج ملاقاتهای سالزبورگ و گاستین واقف شدند فرانسوا ژوزف بعد از تردید زیاد در تحت تأثیر تلقینات بوست کنت دو هوهنوارت از وزارت معزول کرد. و در نتیجه بر ضد اسلاوها بطرف مجارها متمایل

(۱) Comte Jules Andrassy (۱۸۹۰-۱۸۲۳) سیاستمدار مجارستانی - در شورش مجارستان در ۱۸۴۸ شرکت کرد - غیابا محکوم باعدام شد - در ۱۸۶۰ بمجارستان مراجعت و طرفدار اتحاد شخصی اتریش و مجارستان گردید - از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۹ عهده دار وزارت خارجه اتریش و مجارستان بود.

(۲) Ischl

(۳) Salzbourg

عزل بوست - کولتور کامف

شد ولی غلبه بوست به هوهنوارت نیز دیری نپایند چند روز بعد بتحریر بيسمارك بوست از صدارت معزول شده و آندراسی جانشین او گردید.

بعد از نزدیکي آلمان و اثریش خیال بيسمارك قدری از مشکلات سیاست خارجی آسوده گشت و چون با اشغال دوازده شهرستان در فرانسه و بعید بودن خطری که ممکن بود از طرف روسیه متوجه پروس شود تشویش خاطریش از اجاظ دیپلماسی در بین نبود صدراعظم آلمان تمام هم خود را در پایان سال ۱۸۷۱ صرف اقدامات جدی بر علیه کاتولیکها نموده و روحانیون را از دخالت در امور داخلی منع و با گذرانیدن قوانینی در ماه مه ۱۸۷۲ بر ضد کشیشان در ماههای ژوئن و ژوئیه ۱۸۷۲ ژوئیتها را از پروس اخراج و مبارزه را که بنام کالتور کامف^(۱) معروف شده است شروع میکند در مقابل اقدامات بيسمارك پاپ و کاتولیکها بیکار ننشسته و با وجود اینکه از حقوق خود در پروس محروم شده و حتی بزندان میافتند اغلب کشیشان پروس دست از مبارزه بر نمیدارند. پاپ هم نامه به امپراتور آلمان نوشته و چنین وانمود میکند که وی با هم اول تحت تأثیر عقاید ضاله قرار گرفته است. بيسمارك هم از طرف پاپ ملقب به آبیلائی جدید میشود. در فرانسه و اسپانیا هم کاتولیکها به تبلیغات خود توسعه میدهند. زیرا در فرانسه اغلب نمایندگان رژیم جمهوری را امری موقتی دانسته و سعی در برقراری سلطنت کنت دوشامبور^(۲) میکردند. در اسپانیا هم برای استقرار دون کارلو که^(۳) بانامزد سلطنت فرانسه قرابت خانوادگی داشت در تلاش بودند.

(۱) kulturkampf مبارزه برای تمدن

(۲) Henri-Charles-Ferdinand-Marie-Dieudonné d' Artois, duc

de Bordeaux, comte de Chambord (۱۸۲۰ - ۱۸۸۳) وارث خانواده سلطنتی

بوربون فرانسه - پسر دوک دوبری Berry در ۱۸۳۰ از فرانسه مهاجرت کرد - در ۱۸۳۶

پس از فوت شارل دهم تنها وارث خانواده سلطنتی بوربون گردید - بعد از سقوط امپراطوری

ناپلئون سوم نامزد سلطنت فرانسه شد.

(۳) Carlos-Maria de los Dolores - Juan-Isidro - José - Francis

Co Quirino-Antonio - Miguel-gabriel-Rafael de Bourbon

بقیه حاشیه در صفحه بعد

سلطنت آمده اول در اسپانیا - ملاقات سه امپراطور در برلن

در اسپانیا بعد از قضایائی که بهانه جنگ بین فرانسه و پروس قرار گرفت در ۲ ژانویه ۱۸۷۱ سردوم ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا کنت دوست بنام آمده اول^(۱) پادشاهی اسپانیا را قبول نمود. دون کارلو که از طرف پاپ و طرفدارهای کنت دوشامبورگ تقویت میشد بر ضد آمده قیام کرده و شورشی در اسپانیا برپا نموده در ماه مه ۱۸۷۲ از طریق فرانسه وارد نواحی باسک^(۲) گردید و با وجود اینکه اقدامات او به نتیجه نرسید و مجبور گردید دو مرتبه بفرانسه فرار نماید باز دست از تحریکات خود در اسپانیا برنمیداشت.

بیسمارک برای رعایت احتیاط تصمیم گرفت هر چه ممکن است زود تر اتحاد بین اتریش و آلمان را بمرحله عمل نزدیک کند و چون صدراعظم جدید اتریش نیز محتاج به کمک آلمان بر ضد اسلاوها بود فرانسوا ژوزف در اوائل ماه سپتامبر ۱۸۷۲ برای ملاقات ویلهلم اول رسماً برلن آمد. تزار روسیه که از عواقب اتحاد آلمان و اتریش نسبت بروسیه در تشویش افتاده بود برای اینکه از زیان احتمالی چنین اتحادی جلوگیری کند به بیسمارک تمایل خود را در شرکت در این ملاقات اطلاع داد و چون نفع آلمان نیز در این بود که روسیه با او همراه باشد ویلهلم اول تزار روسیه را نیز برلن دعوت کرد و متعاقب آن تزار روسیه بمعیت گورچاکوف وارد برلن گردید و در نتیجه ترس تزار روسیه از اقدامات نیهیلیست^(۳) و وعده های بیسمارک آلکساندر دوم

بقیه حاشیه از صحنه قبل

don Carlos, duc de Madrid (۱۸۰۹ - ۱۸۴۹) نوه دون کارلوی معروف در ۱۸۶۸ پدرش ب نفع او از امتیازات خود صرف نظر کرد. از طرف کارلیست ها پادشاه اسپانیا نامیده شد. از ۱۸۷۲ مدت ۴ سال باعث اغتشاش در اسپانیا گردید. بالاخره مجبور شد از اقدام عملی بر ضد حکومت اسپانیا خودداری کند.

(۱) Ferdinand-Marie' duc d'Aoste, Amedée I (۱۸۴۸ - ۱۸۹۰) سردوم امانوئل پادشاه ایتالیا - در ۱۸۷۰ پادشاهی اسپانیا انتخاب شد - در ۱۸۷۳ از سلطنت اسپانیا استعفا داده ب ایتالیا مراجعت کرد.

(۲) Basques

(۳) Nihilistes فرقه که طرفدارانهدام اساس اجتماع بوده و بهیچ چیز عقیده نداشتند

نتایج ملاقات سه امپراطور - استعفای تیر

کاملاً تحت تأثیر عقاید بیسمارک قرار گرفت .

در نتیجه ملاقات این سه امپراطور و بازدیدهای رسمی که ویلهلم اول در به سال ۱۸۷۳ از آنها بعمل آورد یادداشت‌هایی بین سه دولت آلمان و اتریش و روسیه و بدل گردید که بموجب آنها این سه دولت تصمیم خود را در امور زیر اعلام میداشتند:

- ۱- نگاهداری وضع فعلی ممالک اروپا و بر رسمیت شناختن تغییر ارضی جدید .

- ۲- حل و تصفیه مسائل شرق با موافقت یکدیگر .

- ۳- جلوگیری از انقلابات بر ضد سلاطین .

بعد از این ملاقاتها بنظر می‌آید که اتحاد مقدس دو مرتبه تجدید شده و سیاه اروپا بزمان بعد از کنگره وین شباهت پیدا کرده است دول اروپا این موضوع را با قدری جدی تصور کردند ولی معلوم بود که این اتحاد پایه و استحکام اتحاد مقدس نخواهد داشت زیرا گورچاک وزیر خارجه روسیه در عین حال که دم از موافقت با پرو میزد اعتماد و اطمینان زیادی نسبت باظهارات بیسمارک نداشت اما همین اندازه کا بود که سیاست بیسمارک را در داخل و خارج آلمان تقویت نماید .

در سال ۱۸۷۳ در اثر جدیت تیر دولت فرانسه غرامات جنگی را قبل از مؤء مقرر پرداخت نمود و در نتیجه ارتش آلمان خاک فرانسه را تخلیه کرد . طرفدار سلطنت که دیگر تیر را لازم نداشتند و حتی وجود او را مزاحم خود میدانستند شر بخورده گیری از او نمودند در نتیجه در ۲۴ مه ۱۸۷۳ تیر از ریاست قوه مجریه استه داده و سلطنت طلبان در فرانسه تفوق کامل پیدا کردند. در تمام ادارات فرانسه طرفدار سلطنت و کاتولیکها رخنه پیدا نموده با اقدامات خود عملیات دون کارلور را نیز در اسپ تشویق کردند بطوریکه در ۱۱ فوریه ۱۸۷۳ پادشاه جدید اسپانیا مجبور با استعفا گرد در اواخر ماه ژوئیه دون کارلو که وارد اسپانیا شده بود حکومت جدیدی

تشویق ویکتور امانوئل - نزدیکی ایتالیا با اتریش و آلمان

شهر استلا^(۱) تشکیل داده در فرانسه نیز مارشال ماك ماهون^(۲) جانشین تیر شده و مابین طرفداران سلطنت اتفاق حاصل گردید باین ترتیب که کنت دوپاری^(۳) نوه لوئی فیلیپ کنت دو شامبور را تنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت بعد از رفع اختلافات بین نامزد های سلطنت فرانسه بنظر میرسید که بزودی سلطنت سلسله بوربونها در فرانسه برقرار خواهد شد.

اقدامات سلطنت طلبان در فرانسه و موافقت کامل با کاتولیکها باعث تشویش ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا گردید چه ممکن بود باین قرار سلطنت کنت دو شامبور که ملقب به هائری پنجم شده بود تصرف شهر رم دو مرتبه مورد مناقشه واقع شود بیسمارک هم از وحشت پادشاه ایتالیا استفاده نموده او را ترغیب بنزدیکی با اتریش و پروس نمود.

در سپتامبر ۱۸۷۳ ویکتور امانوئل دروین ملاقاتی از فرانسوا ژوزف و آندراسی بعمل آورده از آنجا عازم برلین گردید.

بیسمارک هم از وعده وعید پادشاه ایتالیا کوتاه نکرده و حتی موافقت خود را با تصرف نیس و ساووا توسط ایتالیا ابراز داشت.

کنت دو شامبور که قضایای سیاسی را پیچیده میدید یا از روی ترس یا از روی عقیده اظهار داشت که اعطای آزادی های را که طرفداران او برای سلطنت لازم میدیدند جز با طیب

Estella (۱)

Marie-Edme-Patrice-Maria, Comte de Mac-Mahon (۲) ۱۸۹۳ -

۱۸۰۸) مارشال فرانسوی - فاتح مالا کف در جنگ کریمه - در ۱۸۵۶ سناتور شد - در جنگ

با اتریش عامل مهم فتح ماژانتا بود و بدین مناسبت ملقب به دولت ماژانتا گردید از ۱۸۶۴

تا ۱۸۷۰ فرماندار الجزیره بود - در جنگ ۱۸۷۰ از پروسها شکست خورده مجروح و

اسیر گردید بعد از امضای ترک مخصوصه رئیس ارتشی شد که بر ضد شورش کمون اقدام

کرد در ۱۸۷۳ رئیس جمهور فرانسه شد - در ۱۸۷۹ از ریاست جمهوری استعفا داد

Louis-Philippe-Albert d'Orléans, Comte de Paris (۳) ۱۸۹۴

۱۸۳۸) نوه لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه - در انقلاب ۱۸۴۸ از فرانسه مهاجرت کرد - در

۱۸۷۳ کنت دو شامبور را تنها نماینده خانواده سلطنتی فرانسه شناخت.

رد سلطنت فرانسه از طرف كنت دوشامبورگ - اعتراض بیسمارك بدولت فرانسه

خاطر قبول نخواهد کرد و در تحت افکار دستجات مختلف قرار نخواهد گرفت و برای از بین بردن خاطرات انقلاب فرانسه اصرار داشت پرچم فرانسه بر يك سفید که علامت خانواده بوربونها بود تغییر یابد. تقاضاهای دوک دوشامبورگ باعث شد که از محبوبیت او در فرانسه کاسته شده و طرفداران سلطنت نتوانند بمقصد خود برسند و چون امیدشان هنوز قطع نشده بود برای پیدا کردن راه حلی دوک دوپرو کلی^(۱) پیشنهاد نمود اختیارات مارشال دو ماگ ماهون برای مدت ۷ سال تمدید شود تا فرصت کافی برای استقرار سلطنت در دست باشد.

تفرقه که بین نمایندگان مجلس فرانسه افتاد قدری باعث راحتی خیال بیسمارك گردید زیرا ادامه هر چه و مرج و نبودن يك حکومت ثابت در فرانسه موجب باقیماندن ضعف این دولت میشد ولی با وجود این برای اینکه دولت فرانسه جرئت اقدامی بر ضد آلمان نکند در موقعیکه در اتر اعلامیه ۲۱ نوامبر ۱۸۷۳ پاپ کشیشان فرانسه شروع به نوشتن مقالاتی بر علیه بیسمارك کردند بیسمارك رسماً بدولت فرانسه اعتراض کرد ضمناً بتحریر يك اوروزنامه های آلمان شروع بانتمشار مقالاتی بر ضد فرانسه نموده و تهدید میکردند اگر فرانسه خیال انتقام در سر داشته باشد دولت آلمان نخواهد گذارد ابتکار عملیات را در دست بگیرد و تحمیلات ۱۸۷۱ را نیز کافی نمیدانستند منظور بیسمارك از این تهدیدات بیشتر ترسانیدن فرانسه بود تا این دولت جرئت نکند سیاست مستقلی در پیش گرفته و اسباب مزاحمت آلمان را فراهم آورد زیرا در پایان سال ۱۸۷۳ روابط آلمان و روسیه صمیمیت سابق خود را از دست داده بود دولت روسیه که بدون سرو صدا تمام تر کستان و نصف خیه را تصرف کرده بود برای تحریک نمودن مخالفت انگلستان با گلاستون وارد مذاکره شده و با عروسی که بین گراندوشش ماری^(۲) دختر آلکساندر

(۱) *jeaque - Victor, duc de Broglie* (۱۸۲۱-۱۹۰۱) سیاستمدار فرانسوی

بعد از چند ما. و ریت سیاسی در ۱۸۶۲ عضو فرهنگستان فرانسه شد. در ۱۸۷۱ بنماینده گی مجلس انتخاب شد. از طرفداران جدی سلطنت. نخست وزیر فرانسه در ۱۸۷۳ و در ۱۸۷۷ سناتور از ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۵. تألیفات تاریخی و سیاسی مهمی از خود بیادگار گذاشته است

(۲) *Grand-duchess Marie*

توافق روسیه و انگلستان - سلطنت آلفونس دوازدهم - استقرار جمهوری در فرانسه

دوم دوک ددنبورگ^(۱) پسر دوم ملکه کریکتوریا انجام گرفت موافقتی بین دولتین بعمل آمد. در ماه مه ۱۸۷۴ تزار روسیه ببهانه دیدن دختر خود به لندن رفت و با وجود آنکه در اینوقت دیسرایلی در انگلستان روی کار آمده بود سیاست خارجی انگلستان وارد مرحله جدیدی میشد باز تا چندی آثار این موافقت باقیماند. تزار روسیه در لندن ملاقاتی هم با کنت دورپاری نمود، و حسن نظر خود را نسبت به کابینه فرانسه اعلام داشت قضایای اسپانیا نیز کاملاً مطابق دلخواه بیسمارک جریان پیدا نکرد در سوم ژانویه ۱۸۷۴ در اتریک کودتای نظامی در مادرید ژنرال سرانو^(۲) در اسپانیا زمام امور را در دست گرفت و دون کارلو مجبور بفرار گردید. بیسمارک که با حکومت ژنرال سرانو موافقت داشت فوراً این حکومت را بر سمیت شناخت در صورتیکه دولتین روسیه و فرانسه از شناختن آن خودداری نمودند. تا اینکه بتحریک فرانسه شورش دیگری در اسپانیا برپا شد و پسر ملکه ایزابل موسوم به آلفونس دوازدهم^(۳) در ژانویه ۱۸۷۵ پادشاه اسپانیا شده و تمام دول اروپا پادشاهی اسپانیا را بر سمیت قبول کردند.

در سال ۱۸۷۴ اختلافات پارلمانی در فرانسه قدری مرتفع شده و با اقدامات تیر و گامبتا اساس جمهوری روز بروز مستحکم میگردد قانونی هم راجع بنظام وظیفه و سازمان ارتش فرانسه بتصویب رسید که نیروی نظامی فرانسه را تقویت نمود، بیسمارک که با ثبات پیدا کردن حکومت فرانسه موافقتی نداشت موضوعهای فوق را بهانه قرار داده و به تشویق او روزنامههای آلمان دو مرتبه حمله بفرانسه را شروع و از بیسمارک

Duc d'Edimbourg (۱)

Francisco Serrano y Dominguez, duc de La Torse (۲) ۱۸۸۵

(۱۸۱۰) مارشال و سیاستمدار [اسپانیولی] - وزیر جنگ اسپانیا در ۱۸۴۳-۱۸۴۷ به آزادبخواهان بر ضد ملکه ایزابل ملحق شد - در ۱۸۶۹ در نتیجه انقلاب اسپانیا نایب السلطنه این کشور شد.

François d'Assise - Ferdinand - Pic-jean-Marie-grégoire (۱)

Pèlage, Alfonse XII (۱۸۸۵-۱۸۵۷) پادشاه اسپانیا - در ۱۸۷۴ پادشاهی اسپانیا

انتخاب شد - سعی در برقراری آرامش و صلح در داخل اسپانیا کرد - در ۱۸۷۶ کورتس اسپانیا را دعوت بتصویب قانون اساسی جدید نمود :

تهدید بیسمارک - اعتراض انگلستان و روسیه

تقاضا کردند اگر جنگی با فرانسه رخ دهد تصمیمات فوق‌العاده‌شدیدتری نسبت باین کشور اتخاذ شود تا دیگر نتواند سر بلند کند. خود بیسمارک هم بی‌میل نبود در اثر تحریک احساسات فرانسویها دولت فرانسه مانند ۱۸۷۰ در دام افتاده و پیش قدم حمله با آلمان گردد.

بیسمارک برای بدست آوردن نظر دول اروپا بوسیله نمایندگان سیاسی خود از دول اروپا استفسار نمود در صورت بروز جنگ بین آلمان و فرانسه چه رویه را اتخاذ خواهند نمود. دولت اتریش گرچه مخالفتی نسبت برویه آلمان اظهار نکرد ولی وعده همراهی هم باین دولت نداد. دولت ایتالیا گرفتار مشکلات داخلی و بحران مالی بود و انتظار کمک از آن خیال واهی بنظر میرسید. دول انگلستان و روسیه کاملاً مخالفت خود را نسبت با آلمان ابراز داشتند زیرا بنظر روسیه دولت فرانسه تنها دولتی بود که میتواند در موقع لزوم در مقابل آلمان بروسیه کمک کند. دولت انگلستان هم برای اینکه دولت فرانسه کاملاً در دامان روسیه نیفتد برای در دست داشتن موافقت فرانسه حاضر بقبول اعتراضات آلمان نگردید.

در اواسط ماه آوریل ۱۸۷۵ نمایندگان انگلستان و روسیه بحضور ویلهلم اول رسیده و اعلام داشتند که چون از طرف فرانسه رویه مخاصمت آمیزی مشاهده شده است در صورت بروز جنگ بین آلمان و فرانسه تمام مسئولیت را متوجه آلمان دانسته و آزادی عمل خود را حفظ خواهند کرد. امپراطور آلمان که منظور این کلمات را کاملاً ملتفت شد از انتشارات جنگ اظهار تعجب کرد و اضافه نمود او هم غیر از نگاهداری صلح منظوری را تعقیب نمیکند. لازم بتوضیح نیست که بیسمارک هم خود را بیش از همه طرفدار صلح نشان داده و نوشته‌های روزنامه‌های آلمان را تکذیب کرد. دولت فرانسه موقع را مغتنم شمرد و برای اطمینان از کمک روسیه از این دولت تقاضا نمود ضمن اعلامیه رسمی رویه خود را نسبت بفرانسه آشکار سازد تا روسیه هم که در این موقع نتوانست از احساسات خود جلو گیری کند رسماً پاسخ داد که دولت فرانسه میتواند بکمک روسیه امیدوار باشد و اعلام داشت که بواسطه مداخله او صلح در اروپا حفظ شده است. این

توجه بیسمارک به خطر اتحاد روسیه و فرانسه

اعلامیه از یک طرف باعث خشم و غضب بیسمارک گردید و از طرف دیگر صدراعظم آلمان رابیش از پیش متوجه خطر اتحاد دولتین روسیه و فرانسه برای آلمان نمود باین جهت بیسمارک از این تاریخ تصمیم میگیرد از قضایای شرق حتماً کثیر استفاده را نموده و تمامیتواند برای دولت روسیه اشکالات تازه تهیه کند تا بامشغول شدن او در شرق هم دشمنان و رقبای تازه برای دولت روسیه پیدا شود و هم امید دولت فرانسه از کمک روسیه قطع گردد.

فصل دهم

مسائل شرق و کنگره برلن ۱۸۷۸

تقاضاهای اسلاوها - تبلیغات اتحاد اسلاو - لغویطرفی دریای سیاه
همکاری اتریش و روسیه - فساد حکومت عثمانی - شورش هرزه گوین - میانجیگری
اتریش - وعده های دولت عثمانی - سلطان عبدالحمید دوم - اعلام جنگ
سربستان و مونتنگرو - شکست سربها - موافقت اتریش و روسیه - تقاضای ایگنا ایف
کنفرانس قسطنطنیه - یادداشت دول اروپا و روسیه - اعلام جنگ - فتح روسیه
ترک مخصوصه - پیمان سان استنفانو - مخالفت انگلستان و اتریش - عذر تراشی
بیسمارک - کنگره برلن - تصمیمات کنگره - نتایج کنگره برلن .

شکست اتریش از پروس در سال ۱۸۶۶ موجب امیدواری اسلاوها گردید . با
تبلیغات اتحاد اسلاو که از طرف روسیه تشویق میشد در ۱۸۶۷ کنگره از اسلاوها در
مسکو تشکیل و تحت نفوذ کاتگوف ملل اسلاوچه آنهائی که تحت نفوذ دولت عثمانی
بودند و چه آنهائیکه تحت نفوذ دولت اتریش و مجارستان قرار داشتند درخواستهای
ملی و نژادی خود را اعلام نمودند . در مقابل ائتلاف اتریش و مجارستان اغلب اسلاو
های تابع این دولت اعتراض کرده و از حضور در دیت امتناع نمودند حتی در دالماسی
و کروآسی شورشهایی هم اتفاق افتاد و زد و خورد آنها با دولت اتریش و مجارستان
مدتی بطول انجامید .

تبلغات اتحاد اسلاو - لغویطرفی دریای سیاه

در سربستان بعد از قتل میشل اوبرنویچ آزادیخواهان از طفولیت میلان (۱) پادشاه جدید این کشور استفاده نموده قانون اساسی بتصویب رسانیده با موروثی کردن سلطنت خود را از رقیب دولت عثمانی آزاد ساختند. در بلغارستان نیز ملیون شروع به اغتشاش کرده و دولت عثمانی مجبور گردید از سال ۱۸۶۷ با اعزام عده از قوای خود از انقلاب جلوگیری کند. در سال ۱۸۷۰ نیز مجبور شد آزادی مذهبی بآنها اعطا نماید.

دولت روسیه که در سال ۱۸۵۶ مغلوب شده و منتظر فرصت برای جبران مافات بود نیز این شورشها را تشویق میکرد. جنگ ۱۸۷۰ بین فرانسه و آلمان موقع مناسبی بدست روسیه داد تا از این پیش آمد استفاده کند. در ۳۱ اکتبر ۱۸۷۰ گورچاکوف وزیر خارجه روسیه یادداشتی بدول اروپا فرستاد و مواد ۱۳ و ۱۴ پیمان پاریس را که مربوط به بیطرفی دریای سیاه بود یکطرفه ملغی نمود. دولت عثمانی هم که با بیطرفی دریای سیاه چندان موافق نبود از یادداشت روسیه زیاد ناراضی بنظر نمی رسید. تنها دولت انگلستان جدا بر ضد اقدام روسیه وارد فعالیت دیپلوماسی گردید. بطوریکه شرح داده شد در اثر تدبیر بیسمارک در باره این امر کنفرانسی در لندن تشکیل گردید و در نتیجه گرچه اقدام روسیه تثبیت گردید ولی قرار شد که دول دیگر نیز از آزادی دریاه سیاه استفاده کنند.

در سال ۱۸۷۱ فرانسوا ژوزف در تحت فشار اسلاوها هوهنوارت را نخست وزیر اتریش کرد و اعلام نمود حاضر است حقوق اسلاوها را تأمین کند. دیت پراگ نیز شروع بتنظیم مواد اصلی حقوق اسلاوها در ۹ و ۱۰ اکتبر ۱۸۷۱ نمود و بموجب آن از فرانسوا ژوزف تقاضای استقلال اداری و برقراری ۱۷ مجلس و تشکیل کنگره مانند مجلس سناق آمریکا و تعیین وزرای مسئول کردند. تقاضاهای اسلاوها باعث تشویش فرانسوا ژوزف

(۱) Milan Obrenovitch IV (۱۹۰۱-۱۹۵۴) پادشاه سربستان - در ۱۸۶۸ امیر سربستان شناخته شد - در ۱۸۷۶ با دولت عثمانی وارد جنگ شد - بعد از جنگ ۱۸۷۷ بطرف اتریش متمایل گردید - در ۱۸۸۲ سربستان را به مقام کشور پادشاهی رساند - در ۱۸۸۹ قانون اساسی جدیدی اعطا نموده و بنفع پسرش الکساندر از سلطنت صرف نظر کرده بخارجه عزیمت کرد - در ۱۸۹۴ کودتائی نموده و دومرتبه وارد بلگراد شد.

همکاری اتریش و روسیه - فساد حکومت عثمانی - شورش هرزه گوین

شده و ملاقاتهایی که در سالزبورگ و کاستین بین امپراطور اتریش و ویلهلم اول و وزرای آنها صورت گرفت موجب برقراری اتحاد محکمتری بین اتریشها و مجارها شده در نوامبر ۱۸۷۱ هونوارت مجبور با استعفا و دیت پراگ منحل گردید.

با برقراری آندراسی بوزارت خارجه امپراطوری اتریش و مجارستان روابط آلمانها و مجارها بر ضد اسلاوها مستحکم گردید و مجارها در امپراطوری نفوذ زیادی پیدا کردند. ملاقات سه امپراطور در برلن خفت شکست سادو آ و کینه را که مجارها از سال ۱۸۴۹ نسبت بروسیه داشتند از بین برد. برای جلب نظر روسیه از سال ۱۸۷۲ دولت اتریش از کمک بلهستانیها از طریق گالیسی خودداری کرد و در عوض انتظار داشت دولت روسیه هم از اسلاوهای تابع اتریش تقویتی ننماید در نتیجه ملاقات سه امپراطور نیز تصمیم گرفته شد مسائل شرق و قضایای مابینه الاختلاف بطریق مسالمت بین سه دولت حل شود.

در اوائل سال ۱۸۷۴ فرانسو ژوزف و آلکساندر دوم در سن پترزبورگ ملاقاتی از یکدیگر بعمل آورده و وعده دادند در وضع بالکان تغییری ندهند، ولی ضعف حکومت عثمانی و عیاشی و تبذیر سلطان عبدالعزیز هر آن ممکن بود استقرار صلح را در بالکان مورد خطر قرار دهد. در سال ۱۸۷۵ مسیحیون هرزه گوین (۱) در اثر فشار ترکها بر ضد دولت عثمانی شورش کردند و در ماه اوت ۱۸۷۵ کمیته برای آزادی خود تشکیل داده و با بدست آوردن موفقیتهایی بر علیه دولت عثمانی از تمام اسلاوها تقاضای مساعدت نمودند. اهالی موطنگر و نیز شورشیان کمک نموده در تمام روسیه هم مردم طرفدار آنها شدند.

گرچه در موقع شروع شورش آندراسی اعلام نمود در این قضیه دخالتی نخواهد کرد و در ماه اوت ۱۸۷۵ سفیر روسیه در وین بدولت اتریش پیشنهاد میانجیگری بین شورشیان و دولت عثمانی را نمود. دولت روسیه اظهار میداشت منظور از اقدام او دخالت در امور عثمانی نبوده و فقط برای جلوگیری از سرایت شورش بنقاط دیگر و نگاهداری

Herzégovine (۱)

میانجیگری اتریش - وعده های دولت عثمانی

صلح جهانی فعالیت میکند. اقدام روسیه باعث گردید که از یکطرف شورشیان و مسیحیان بالکان بحمايت اروپائیان امیدوار گردند و از طرف دیگر دولت انگلستان تصور نمود بین روسیه و اتریش موافقت مخفی برای تقسیم دولت عثمانی برقرار شده است و دولت عثمانی را تشویق بمقاومت در مقابل شورشیان نمود.

دولت عثمانی برای اینکه در صورت ظاهر بهانه شورش را از بین ببرد در ۱۲ کتبر اعلام نمود که مشغول تهیه نقشه اصلاحات اساسی برای وضع تمام مسیحیان میباشد دولت روسیه از بدو امر اظهار داشت که اعتمادی با اظهارات دولت عثمانی ندارد. دولت اتریش که مایل نبود در اثر اقدامات روسیه نفوذ اسلاوها در بالکان توسعه پیدا کند بدست و پا افتاد تا بلکه بوسیله قضیه را خاتمه دهد و پیشنهاد نمود برنامه برای اصلاح حال شورشیان تهیه شده و از طرف دول اروپا بسلطان عثمانی تسلیم شود. دولت روسیه و دولت آلمان پیشنهاد آندراسی را نپذیرفتند. انگلستان اظهار نمود بهتر است بدولت عثمانی وقت داده شود تا بتواند اصلاحاتی را که وعده داده است انجام دهد و باین ترتیب پیشنهاد اتریش متوقف ماند. در ۱۲ دسامبر ۱۸۷۵ بتحریر انگلستان دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نمود که اصلاحات خیلی زیادتری را بملل تابعه وعده میداد. دولت روسیه اعلام نمود که فرامین سلطان عثمانی جز اظهارات توخالی چیز دیگری نیست و برای اصلاح وضع اهالی بسنی و هرزه گوین باید اقدام مؤثری بعمل آورد مخصوصاً که تر که در عوض اصلاحات در بلغارستان شروع بقتل و عام اهالی کردند در اثر فشار روسیه آندراسی یادداشتی را که تهیه کرده بود برای تصویب و ارسال آن بدولت عثمانی با اطلاع دول اروپا رسانید. دول آلمان - روسیه - ایتالیا فرانسه هیچگونه مخالفتی با مفاد آن ننمودند. دولت انگلستان نیز یادداشت مزبور را امضا نمود ولی تصریح کرد که با هر گونه اقدام عملی برای تأیید آن مخالف است بنابراین با وجود اینکه در ۳۰ ژانویه این یادداشت تسلیم دولت عثمانی گردید نه دولت انگلستان و نه دولت اتریش مایل به پافشاری زیادی نسبت بدولت عثمانی نبودند و در نتیجه دولت عثمانی فرمان جدیدی منتشر نموده و اصلاحات تازه را وعده داد شورشیان